



محاکمه آغارچی

کلیدواژه: محاکمه آغارچی، آزادی بیان، آزادی عقیده.

پرسش: آیا محاکمه آغارچی با آزادی بیان مخالف نیست؟

پاسخ: آزادی بیان در اسلام تا آنجا مطلوب است که تحت مدیریت عقل و محدوده شرع قرار گرفته و در راستای حقیقت و فطرت الهی انسان باشد و هر بیانی که در این چهارچوب جای نگیرد، محکوم خواهد بود.

بنابراین درباره محاکمه آغارچی (به خاطر توهین به مقدسات و ائمه معصومین (علیهم السلام)) می توان گفت که چون هیچ کس نمی تواند از تحت عنوان آزادی بیان، از حدود معین شده در شرع و عقل تجاوز نماید و از آنجا که عدم رعایت این نکته طبعاً مستلزم رسیدگی یا مجازات است، پس می توان نتیجه گرفت که اصل محاکمه برای رسیدگی به موارد تخلف، خود قانون است و هیچ گونه منافاتی با حدود قانونی آزادی بیان ندارد؛ زیرا بدیهی است که این محاکمه و رسیدگی، در واقع به منظور حفظ حدود شرعی، حریم اشخاص و برقراری نظم اجتماعی است تا کسی به خود اجازه ندهد با سوءاستفاده از نام آزادی، حریم دیگران یا مقدسات را مورد اهانت قرار دهد و مخالفت با چهارچوب قانونی آزادی بیان یا تحمیل اجباری اسلام نیست.

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - یادآوری یک نکته
- ۳ - تفاوت آزادی عقیده با بیان
 - ۳.۱ - اول
 - ۳.۲ - دوم
- ۴ - پذیرفته نشدن آزادی بیان به طور مطلق
 - ۴.۱ - دیدگاه امام خمینی
 - ۴.۲ - دیدگاه قرآن کریم
 - ۴.۳ - دیدگاه رسول خدا
- ۵ - نتیجه بحث
- ۶ - معرفی منابع
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

مقدمه

نخست می بایست معلوم ساخت که آیا اساساً آزادی بیان به طور علی الاطلاق می تواند در اسلام یا حتی سایر مکاتب موجود، پذیرفته شده باشد؟ یا خیر. برای نیل به این مقصود و روشن تر شدن چهارچوب کلی بحث لازم است، نخست مرز میان اندیشه و بیان مشخص شود تا معلوم شود آزادی اندیشه و بیان هر کدام در چه جایگاهی قرار می گیرند.

یادآوری یک نکته

نکته قابل توجه آن است که هر چند پذیرش یک عقیده با اظهار و اعتراف به آن عقیده خیلی مرتبط و بنا به اعتقاد برخی صاحب نظران تا حد زیادی دلایلشان یکی است، [۱] و امروزه نیز برخی با خلط میان آن دو سعی می کنند تا با تمسک به آزادی عقیده، آزادی بیان را نتیجه بگیرند و ابراز هر نوع عقیده و اندیشه ای را در هر قالبی مجاز بدانند، اما واقع آن است که پذیرش یک عقیده و اظهار آن، در دو حوزه متفاوت جای می گیرد.

تفاوت آزادی عقیده با بیان

در اینجا برای روشن تر شدن جایگاه بحث، ضمن طرح دو تفاوت اساسی میان آن دو، به بررسی و تبیین این مسئله خواهیم پرداخت:

← اول

عقیده تا زمانی که در محدوده اندیشه ذهنی و عقیده باطنی باقی بماند، امری شخصی و بی ارتباط با دیگران است؛ اما بیان اندیشه آن قسمت از رفتار انسان هاست که در ارتباط با دیگران قرار می گیرد. به عبارت دیگر، انتخاب و اعتقاد به یک اندیشه، امری شخصی است؛ اما همین که عقیده ای اظهار شد، به طور طبیعی اثراتی بر روی مخاطبان گذاشته و دیگران را به نوعی تحت تأثیر قرار خواهد داد.

← دوم

بدون تردید آزادی جزء ذاتی عقیده و اندیشه است و اساساً بنا به قول بسیاری از صاحب نظران عقیده و باور قلبی امری اجباربردار نیست؛ [۲] زیرا انسان تا نسبت به صحت مطلبی اطمینان حاصل نکند به آن معتقد نخواهد شد و از این روست که برخی تأکید می کنند: «عقیده، عمل اختیاری نیست تا اینکه منع یا تجویز به آن تعلق گیرد». [۴] [۵]

بر این اساس، می توان گفت: آزادی جزء لاینفک عقیده قرار می گیرد، پذیرش یا تغییر عقیده قابل تحمیل نیست؛ اما نکته قابل توجه آن است که چنین اطلاقی درباره بیان عقیده و اندیشه در هیچ منطقی پذیرفتنی نیست. هیچ منطقی اهانت و توهین به دیگران را تحت عنوان آزادی بیان بر نمی تابد و هیچ مکتبی این

قبیل آزادی‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. اگر بگوییم انتخاب اندیشه و اعتقاد به آن، تا وقتی که در چهارچوب عقیده باطنی و قلبی محصور می‌شود، ربطی به جامعه و دیگران ندارد؛ اما به طور قطع بیان و نشر آن عقیده از بعد اجتماعی و سیاسی جدا نیست و لذا به مقتضای حکم عقلی و منطقی در خصوص آزادی بیان و نشر یک اندیشه، می‌بایست به حفظ **حقوق** و حرکت دیگران نیز توجه داشت.

پذیرفته نشدن آزادی بیان به طور مطلق

آنچه مسلم است در اسلام هیچ‌گاه آزادی بیان به طور مطلق پذیرفته شده نیست. همان‌طور که در مکاتب دیگر و در **عرف** هر جامعه حد و حدودی برای آزادی بیان قائل می‌شوند، در اسلام هم، آزادی بیان در چهارچوب خاص شرعی پذیرفته می‌شود. در **حکومت اسلامی**، اظهار ارتداد، توهین به مقدسات مذهبی، گمراه‌سازی، تظاهر به **منکرات** و عواملی از این دست، از محدوده مجاز آزادی بیان خارج می‌شوند.

← دیدگاه امام خمینی

حضرت **امام** (رحمة‌الله‌علیه) نیز همواره آزادی بیان را مشروط به عدم توطئه و گمراه‌سازی جامعه و مضر نبودن به حال ملت می‌پذیرفتند.

[۶]

[۷]

[۸]

[۹]

← دیدگاه قرآن کریم

وجود **آیات** متعدد الهی که امر خداوند را در زمینه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی بیان می‌کند، همه دلیل بر حاکمیت خدا بر مردم و آزادی در محدوده حکومت الهی است.

آیات و روایات مربوط به **امر به معروف و نهی از منکر** و جلوگیری از مفسدات اجتماعی، دلیل روشنی بر این مطلب است که افراد یک اجتماع به طور مطلق آزاد نیستند که هر چه می‌خواهند بگویند یا عمل کنند؛ زیرا پی‌آمد چنین وضعیتی جز ایجاد **فساد و فتنه** در جامعه بشری نخواهد بود و این همان چیزی است که در تعبیر **قرآن کریم** «بدتر از قتل» توصیف شده است؛ [۱۰] زیرا **خداوند متعال** ضمن مقایسه ایجاد فساد در روی زمین با ارتکاب به **قتل نفس**، افساد جامعه را در **حکم** نابودی جمیع انسان‌ها می‌شناسد. [۱۱] بنابراین آزادی بیانی که موجب فتنه‌انگیزی و فساد و **گمراهی** اجتماعی شود، از نگاه قرآن کریم به شدت مطرود است.

← دیدگاه رسول خدا

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روایتی تأثیر فتنه‌انگیزی ناشی از **زبان** و گفتار را از زخم **شمشیر** شدیدتر توصیف می‌نمایند. [۱۲] روایات بسیاری دلالت دارد بر آن‌که اگر زبان، آزاد و بی‌قید رها گردد، خرابی‌های گسترده را پدید آورده و اثرات نامطلوبی در حوزه‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی بر جای خواهد نهاد که جبران آن به سهولت امکان‌پذیر نخواهد بود.

نتیجه بحث

نتیجه آن‌که **آزادی بیان** در اسلام تا آنجا مطلوب است که تحت مدیریت **عقل** و محدوده **شرع** قرار گرفته و در راستای حقیقت و فطرت الهی انسان باشد و هر بیانی که در این چهارچوب جای نگیرد، محکوم خواهد بود.

آنچه از مطالب فوق می‌توان درباره محاکمه آماجری (به خاطر توهین به مقدسات و **ائمه معصومین (علیهم‌السلام)**) نتیجه گرفت آن است که چون هیچ‌کس نمی‌تواند از تحت عنوان آزادی بیان، از حدود معین شده در شرع و عقل تجاوز نماید و از آنجا که عدم رعایت این نکته طبیعاً مستلزم رسیدگی یا مجازات است، پس می‌توان نتیجه گرفت که اصل محاکمه برای رسیدگی به موارد تخلف، خود قانون است و هیچ‌گونه منافاتی با حدود قانونی آزادی بیان ندارد؛ زیرا بدیهی است که این محاکمه و رسیدگی، در واقع به منظور حفظ حدود شرعی، حریم اشخاص و برقراری نظم اجتماعی است تا کسی به خود اجازه ندهد، با سوءاستفاده از نام **آزادی**، حریم دیگران یا مقدسات را مورد اهانت قرار دهد و مخالفت با چهارچوب قانونی آزادی بیان یا تحمیل اجباری **اسلام** نیست.

معرفی منابع

۱. آزادی در اندیشه امام خمینی، تبیان ۲۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ۱۳۸۰ ش.

۲. استاد محمدتقی مصباح، نظرات سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۶۳ تا ۹۷.

۳. روح‌الله حسینیان، ماجراهای هاشم آماجری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

پانویس

- ↑ استوارت میل، رساله درباره آزادی، ص ۵۴، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸ ش.
- ↑ مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۸، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۳۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۱۸۵.
- ↑ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۴، ص ۱۱۷.
- ↑ امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳۴.
- ↑ امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۵۹-۲۶۰.
- ↑ امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۲۱.
- ↑ امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۹، ص ۸۶.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۱.
- ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۳۲.
- ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۶.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «محاکمه آماجری»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۸/۰۳/۱۹.

